

همه جد دل و نه خشنک شد
 یفتاد صحرای سوز و گداز
 دهانی کرین اباباد گشت
 همه کشته شد بماء تموز
 خبر چون بیاید ملک اب
 دل اشکسته و چشم کرمان شد
 نمودند زین ماجرا کفنکو
 فرمودشان انیالت پناه
 زودی هه اب رفته زجو
 همان روز از اهل جرقین خواست
 روز دگر خیمها بر زدند
 سیدند و دیدند ان رخساره را

بازبین شد
۱۳۷۱ ش
سال ۱۳۱۸ خورشیدی
باری شد

[illegible][illegible]

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وكرمه

نکاتی
مهم

مقدمه در دول ابرقرا سر کلاه و صغر من نه و
سیمی و حمی آمد از دست من حفیاد و دیگر
از دو عالم به کجاست از این صحنه در دست
که فواید در دست از این رها در دست
از این رها در دست از این رها در دست
سر هوا طبع هر ماه کجاست که رها رها

[illegible][illegible]

و اما سوای ربع دیگر مجموع سوای هجده برابر
که سوای اگر سخته را ضلالت اربعه مراد چه
سوای سوای هجده باشد در هر یک ربع این
علاقی است که در هر یک ربع این
الاضواء بود و این علاقی در هر قطب صفا بر

اکبر ص ۱۰۰ نام $\frac{1}{2}$ منقطع $\frac{1}{2}$ منقطع
 ص ۱۰۱ $\frac{1}{2}$ منقطع $\frac{1}{2}$ منقطع $\frac{1}{2}$ منقطع
 ص ۱۰۲ $\frac{1}{2}$ منقطع $\frac{1}{2}$ منقطع $\frac{1}{2}$ منقطع

اگر چه خواهر بر و نده دوز

شخص در شرح که هزار راه از آن
مورد گفتند اضم بکف و اسطه ام
عولت هم است که در بر بسته می اندازد
رمی مانده که خوب بود
که این مران از جود کار که مانده از سر کار
سفاوتی نامه

نوادر در هر حسی مردان نه حسی مردان
 قانون قطع حصه
 هر حصم حصم ثلث کند هر بار از او یک کند
 بسیار بکشد از بار بگوید در حصم خود بار
 و از حصم ۲ حصم او کنم به خواه او پیش ندم
 قانون بخشیدن مقصود مردان

و در نزاع در ماه خدا حد از ما منتهی ما سوا
 محرم را محرم کرده و از حدیم ما حال آمده
 هر کس ببرد دوازده حصم که در از ایشان ببرد هر کس
 از هفت نفر از خود ببرد که از ایشان ببرد
 هر چه با پدر و مادر خود ببرد ببرد هر چه با

مقرر خواہد بود انکلی رخصت کند از اداسی
از اداسی نظر و سرور سرادار در میان خود
سیاست که مگر به پیشش نور مستقر خدایش
احسان و در سر

در سر راه خود را عرض دیگر برادر مراد می
چو عین ماه لعل وصف سه بر چه حوله در دور
خاسته بود در بزم و امید که ز غایت کشف شمس صفه
بر زنی از کار و مهرش طر نوازاں او آنگر
دل عهد و سر بر نواختن گشتش چو صفه
در سر راه خود را عرض دیگر برادر مراد می

در راه او را می بینم
 جز از آنکه گفت مرا
 بپیران که تو بتو
 سبک ده ص در نه او
 سبک ده ص در نه او
 چون که سبک ده ص در نه او
 نه هم ای نامه درستم
 به رحمت خدا در شرم
 مرا که هر چه بود
 که از دهم در حرا به حرا
 ما در راه او را می بینم
 که سبک ده ص در نه او

۵۸
 ۱۵۸۱ کس ایلاکت مرا کنده در دلم
 جونه صغیر کینت
 چه کنه نمانده ماه نمود برشته در دلم
 مهله که بر جبهه استوار
 هر صحن ماه مهله گریه در دلم
 حلقه که در دلم بود هر صحنه
 همه را که از کاشی
 نموده ز جگر گسخت ام حلال جگر موی

[illegible]

درام محاوره و ساجیه هر آنچه سال در کار منه
 مولعصر ارجاعه ساجیه هر آنچه سال در کار منه
 کشفه ساجیه هر آنچه سال در کار منه
 که در این ساجیه هر آنچه سال در کار منه

محبت کیں لگا دو کھوسا نہ کہیں ہر ارج و اور
 کای بہر بر سر حصہ بزرگہ از حق محمد
 کہ گوئی اسامی خود کفر گران و غایت بہر کفر
 کفاح ارب و اے ما بنار بناد بنار بنار
 سبک حاسی ز با او فرمود کہ نام اکی کا کر
 ورا اندر مشہور و اول ز ورا اسے ارب و اول

[illegible]

تذکرہ کرامت علیہ السلام

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

نور محمد علی و علی
 بهرین محمد علی
 گوهر محمد علی
 که نور علی از آل بهر
 سید علی و علی

از خود لغت عجمی
 کسر که از او دارد
 نمایی بخونه و خوش
 نو خوش و سخنی که
 به سخن از منظر
 سلسله و کلمات

بر احوال و امور و جنگ و جدل
خوار و خوص و ده و ده
نگار بر زبان
اگر کز خط طبع و ادب
نگار بر پیشانی و ادب

مبادا کہ واپس آئے
مبادا کہ واپس گئے
مبادا کہ زینت کو
مبادا کہ زینت کو
مبادا کہ زینت کو
مبادا کہ زینت کو

قانون رفتن در آنجهان
چون که هر کس در آنجهان رود
تحت امر آن کسی باشد
که در آنجا است

فردتر بشتر گزاردار
بسته مجلس تواضع دار
نودار کجای کجای کجای

استاد محترم که در این علم
احسان و جامه
الافاضه و سایر برادران و دوستان

[Faint handwritten text at bottom right]

کتابخانه عمومی
مکتبہ اسلامیہ

در بر صفی

عبد الرحمن بن عبد الله

امیر محمد حسن برادر علم جلیلی

لعن حتى يبرأ الكس خلا و اسر او

بمکتبہ محمد حنیف ادریس النہا

[illegible]

بالا از خود شده
برقند سحر

بازین شده
۱۳۵۳

بازین شده
۱۳۵۳

مزد بدو را در کار
هر دو درم خوب بودم
تو خیز ز غم و اندوه
گناه هم ز خود افتاد ز تو
نودا بفرستادم از کار
چون افتاد ز من در کار
استدعا شد به من
چون شد به من در کار
مرا نشاند به من در کار

بازین شده
۱۳۷۱





